

نیمای نثرنویس

(معرفی و شرح مختصری از آثار غیرمنظوم نیما یوشیج)

مونا طلاگر^۱

چکیده

نیما یوشیج، شاعر و نویسنده نوپرداز معاصر، که آثاری زیادی را در قالب نظم و نثر به رشته تحریر کشیده است؛ کسی بود که توانست انقلابی در قالب و مضمون شعر سنتی ایجاد کند که تا آن زمان هیچ شاعر به این عرصه از نوآوری دست نیازیده بود. جامعه ادبی ما، خدمات گسترده ای در زمینه نشر و پژوهش اشعار نیما کرده است؛ اما متأسفانه آثار نثری نیما همچنان مهجور و گمنام باقیست و سبب شده که بسیاری از آن ها طبع و نشر نشود. تلاش هریک از پژوهشگران و محققین برای هر چه بیشتر شناساندن این گنجینه نثری، با توجه به تنوع و حجم بسیار آثار می تواند خدمتی ارزشمند برای آشنایی بهتر زمینه های فکری، زبانی و ادبی این شاعر و نویسنده متفکر و نواندیش باشد. پس از مطالعه و بررسی در آثار غیرمنظوم نیما می توان آنها را به هشت مجموعه کلی تقسیم بندی کرد، که شامل: ۱. داستان ۲. داستان های کودکان ۳. نامه ها ۴. سفرنامه ۵. نمایش نامه ۶. یادداشت های روزانه ۷. مقالات در زمینه شعر ۸. نقد چندین اثر در این مقاله پس از شرح زندگی نامه نیما یوشیج و ذکر وقایع تاریخی آن دوره به معرفی نام آثار غیر منظوم همت گماشته ایم و در ضمن بیان هریک از آثار نثری به توضیح کوتاهی از چگونگی شکل گیری آنها نیز پرداخته ایم.

کلیدواژه: نیمایوشیج، نثر، داستان، نامه، سفرنامه، نمایش نامه

مقدمه

نیما یوشیج پدر شعر معاصر که در حق داستان و متون نثری گوناگون دیگر نیز پدری کرده است؛ ولی نوپردازی و تحول عظیم او در زمینه شعر باعث شده اشعارش بر دیگر نوشته های ادبی او مستولی شود و در این زمینه همچنان در گمنامی به سر برد. در صورتی که ما با خواندن آثار چون نامه ها و نقد نظریات او در زمینه شعر هرچه بهتر می توانیم با تحولات فکری و زبانی او در اشعار آشنا شویم.

هدف از نگارش این مقاله معرفی آثار غیر منظوم نیما یوشیج همچنین ترغیب به خواندن این گنجینه نثری از شاعری است که هنر نویسندگی او همچنان در هاله نامعلومی به سر می برد.

علی اسفندیاری (نیما یوشیج) در تاریخ بیست و یکم (۲۱) آبان ماه هزار و دویست و هفتاد و شش (۱۲۷۶) شمسی (۱۱ نوامبر ۱۸۹۷ میلادی) در دهکده یوش از توابع استان مازندران، شهرستان آمل به دنیا آمد. (یوش در لغت اوستایی به معنی بامداد روشن می باشد در طبرستان نیز به روشنایی منسوب هست، یوش، جایی که به سبب ارتفاع زیاد از

^۱ کارشناسی ارشد، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا Talagarmona@yahoo.com

روشنایی بامدادی خورشید زودتر از جاهای دیگر بهره ور می شود. پسوند ایچ یای نسبت در زبان فارسی است که مثل یوشیج یعنی یوشی، اهل یوش. ساده شده ی "ایک" پهلوی است که در زبان های دیگر آریایی هنوز زنده است. (قزوانچاهی، ۱۳۷۶: ۳۰۰)
نیما معنای اسم را بدین گونه شرح می دهد:

نیماور : اسم اسپهبدان غربی مازندران / نیما = قوس، برج نهم از بروج فلکی در طبرستان = کمان / ور: برگزیده در نهایت: کماندار برگزیده (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۲)

نسبت نیما از خاندان پدری به سلسله بادوسپانیان می رسید که نیما نام خود را از میان آن خاندان اخذ کرده بود. مادر نیما "طوبی مفتاح" فرزند حکیم نوری، شاعر و فیلسوف است که از جد آنها به گرجی های متواری می رسید که سالیان دور در شمال مسکن گزیده بودند.

نیما سه خواهر داشت به نام های مهراقدس، توران (که بعداً توسط نیما نکیتا نامیده شد) و ثریا. نیما یک برادر کوچک تر از خود داشت که بعدها از رضا به لادین تغییر نام داد. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۲)

هنگام تولد نیما دو سال از سلطنت مظفر الدین شاه قاجار می گذشت. او که در دنیای خوش کودکی در میان شبانان و ایلخی بانان در آرامش دائمی یوش و بی خبری روزگار سپری می کرد در پایتخت کشور طوفان مشروطه وزیدن گرفت و شاه علیقلی قاجار (مظفر الدین شاه) را وادار به تشکیل عدالت خانه کرد. (محیط، ۱۳۸۹: ۲۲)

یازده ساله بود که قشون مشروطه خواهان وارد تهران شد و به یاری علما محمد علی شاه خلع و احمد شاه به سلطنت برگزیده شد. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱)

او در همین سال (۱۲۸۷ ه. ش) که به تهران کوچ کرد و روبروی مسجد شاه که یکی از مراکز فعالیت مشروطه خواهان بود در خانه ای استیجاری مجاور مدرسه دارالشفاء مسکن گزید. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۲)

اقوام نزدیکش او را به دبستان "حیات جاوید" گذاشتند و پس از چندی (۱۲۹۱ ه. ش) به قول او، همپای برادر کوچکترش به یک مدرسه کاتولیک فرستاده شد که به مدرسه سن لویی، شهرت داشت. مؤسسان مدرسه سن لویی مبلغان مسیحیت بودند. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۲)

نیما در جوانی با یک دختر کوهستانی به نام صفورا آشنا شد پدر نیما میل داشت که او با صفورا ازدواج کند ولی صفورا حاضر نشد به شهر بیاید و ناگزیر از هم جدا شدند و نیما دیگر او را ندید. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۱۵)
نیما یوشیج در سال ۱۲۹۸ ه. ش یعنی در سن ۲۲ سالگی کارمند وزارت مالیه می شود.

نیما در ابتدای جوانی به سراغ سیاست و جنگ های پارتیزانی رفت و فکر می کرد در مدت کوتاهی چنان غوغای چریکی به راه می اندازد که در سراسر ایران طنین انداز خواهد شد. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۱)

نیما در نامه های خود که در اوایل جوانی نوشته است به لشکرکشی قوای جنگل به رهبری احسان خان به همراه علی اصغر خان ساعد الدوله برای تصرف تهران اشاره کرد که در حوالی کلاردشت شکست خورد. (ظاهراً لادین - برادر نیما - در این لشکر کشی حضور داشت.) (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۲)

این حس و حالی (اندیشه مرگ در جنگ و جنگل) در هنگامه اوج گیری نهضت جنگل علیه حکومت مرکزی قاجار که به پیروزی دست یافته است فکر او را مشغول کرده بود. عللی همچون: وضع نامساعد کشور، احساس گناه از کاری حقیرانه در اداره ی وزارت عالی که فکر می کرد خیانت به حقوق ملت است و حضور فعالانه برادرش لادین در جنگ های جنگی و اعتلاء جنبش انقلابی مردم در سراسر ایران عوامل برانگیختگی نیما برای ورود به جنگی انقلابی است. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۴)

او در این کار مصمم است و چندان پیش می رود که به فکر تهیه اسلحه می افتد و با تنی چند از جمله با کسی با نام کنایی رفیق دریایی - که شناخته نشد- اسلحه فراهم می کنند. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۷)

از نامه های نیما به لادین چنین برداشت می شود که در اسفند سال ۱۳۰۱ لادین - برادر کوچک نیما - دنبال شکست مبارزان جنگل (یا علت دیگری) از ایران خارج می شود و به شوروی می گریزد.
او اگرچه از نیما کوچکتر بود ولی به سبب مطالعات عمیق اجتماعی و ورود به مبارزات سیاسی مرجع نیما بود. گم شدن لادین خانواده او را در نگرانی و اندوهی تلخ فرو می برد. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۷)
چندی بعد در سال ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی عزل احمد شاه قاجار و نصب رضا خان را به سلطنت تصویب کرد. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۲)

با روی کار آمدن رضا شاه و به سلطنت رسیدن او ((آزادی های نیم بند حاصل از مشروطه نیز مقهور استبداد تازه به دوران رسیده گردید. نفس ها در سینه حبس و قلم ها شکسته و قدم های استوار و مردانه بریده شد.)) نیمای ۲۸ ساله عمق این فاجعه را در می یابد:

ششم اردیبهشت سال ۱۳۰۵ زمانی که نیما ۲۹ ساله بود با عالیه جهانگیر، خواهر زاده انقلابی شهید میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل، ازدواج می کند.

عالیه خانم معلم بود. آنها در سال ۱۳۰۷ با مأموریتی از طرف وزارت معارف برای عالیه خانم به بار فروش آمدند و یک سال زندگی کردند. در نامه های این دوره نیما از آن شکایت نفس گیر و اندوهگزارى جانسوز کمتر دیده می شود بلکه بسیار شادمانه و شاکرانه است.

آثار این دوره نیما: تأثر طنز آمیز کفش حضرت غلمان، رمان آیدین، تاریخ ادبیات ولایتی و سفرنامه بارفروش نیما و عالیه خرداد در سال ۱۳۰۸ به تهران باز می گردند و دوباره گله گزاری ها و تألمات نیما آغاز می شود. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۵۵)

آنها مدتی را در رشت و لاهیجان به سر می برند. در لاهیجان است که نیما داستان بلند خود "مرقد آقا" را می نویسد. در مهر ۱۳۰۹ عالیه خانم و نیما وارد آستارا می شوند. نیما با معلمی در مدرسه "حکیم نظامی" از غم بیکاری رها می شود. اولین نامه ای که نیما از آستارا می نویسد در ۲ مهر ۱۳۰۹ به لادین است. در این نامه نیما حالتی دوگانه نسبت به آستارا دارد. علت این دوگانگی احتمالاً ناشی از آشوب تعمیمی است که درونش ایجاد شده که باید من بعد مثل دیگر مردم باشد. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۶۰)

همین حس هولناک ناشی از تصمیم به تغییر شخصیت و تغییر روش است که از همان بدو ورود نیما را در آستانه نوعی ترس و نگرانی و تردید قرار داده است.
در تمام نامه ای اولیه نیما از آستارا کشمکش درونی او برای قانع کردن خود به ادامه وضع موجود به چشم می خورد. (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۶۰)

بی همزبانی نیما را دلتنگ می کند. احساس می کند آستارا برای او مریضخانه ایست برای سرباز مجروح. سال دوم اقامت در آستارا در عزلت و ناامیدی و گریز از مردم می گذرد. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۳)
در سال ۱۳۱۲ زن و شوهر به تهران می روند و برای همیشه مقیم مرکز می شوند.

نیما در سال ۱۳۱۵ در مدرسه صنعتی ایران و آلمان ادبیات درس می دهد. او به تدریس مواد درسی چندان اهمیّت نمی دهد. اگر پیش آید باکی ندارد که در کلاس درس از دولت هم انتقاد کند. رفتار او با توقع مسئولان دبیرستان سازگار نیست. عذرش را می خواهند. اما دیری نمی پاید در سال ۱۳۱۷ به استخدام وزارت فرهنگ در می آید و بعد کارمند اداره موسیقی می شود. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۶)

اداره موسیقی کشور از سال ۱۳۱۷ اقدام به انتشار مجله ی به نام مجله موسیقی به مدیریت سرگرد "غلامعلی مین باشیان" کرد. مین باشیان از هدایت، نوشین هشترودی و نیمایوشیچ دعوت به همکاری کرد و اولین شماره آن در فروردین سال ۱۳۱۸ منتشر شد.

مجله موسیقی تنها مجله نوگرای دوران رضا شاه بود که به هنر ادبیات نوین جهان توجه ویژه ی داشت. در این مجله بود که بیشترین اشعار نیما (۱۵ شعر) و مهمترین مقاله تئوریک او، با نام ارزش احساسات در زندگی هنرپیشگان چاپ شد. (لنگرودی: ۱۳۸۴: ۲۱۰)

پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران، انتشار مجله موسیقی متوقف می شود. در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ که مجله موسیقی تجدید حیات می کند، نیما دوباره در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار می شود. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۷)

در این میان است که تنها فرزند نیما (شراگیم) در سوم اسفند ۱۳۲۱ متولد می شود.

با بسته شدن مجله موسیقی ارتباط نیما با مخاطبانش محدود می شود این قطع ارتباط بر دلتنگی او می افزاید. شاید برای این رفع دلتنگی است که به روزنامه رهبر و مجله مردم برای روشنفکران روی می آورد. این مجله از نشریات حزب توده بود که احسان طبری و آل احمد آن را می گردانند. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۷)

در این میان گرچه نیما خود حزبی و سیاسی نبود اما چون امکان انتشار مستقل آثار خود را نداشت برای آرایه ی آنها جز نشریات حزبی جایی پیدا نمی کرد، علاوه بر این مهمترین نشریه ی ادبی آن زمان - سخن - میدان تاخت و تاز متجددین محافظه کار بود که به ظاهر با سیاست و مسائل اجتماعی روزشان کاری نبود و نیما و نیمایان آنها را نمی پسندند. (محیط، ۱۳۸۹: ۵۳۸)

در تیر ماه سال ۱۳۲۵ نخستین کنگره نویسندگان از سوی "انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی" به منظور توسعه روابط فرهنگی دو کشور، با حضور ۷۸ روزنامه نویس، شاعر و نویسنده تشکیل شد. در این کنگره که به ریاست ملک الشعرای بهار تشکیل شده بود هم نوگرایی چون هدایت و نیما شرکت داشتند و هم کهنه اندیشان مثل فروزانفر و حکمت که هدف از تشکیل این کنگره نتیجه نفوذ سیاست بر ادبیات بود. (لنگرودی: ۱۳۸۴: ۲۰۵)

نیما بعد از سال ۱۳۲۶ به خدمت اداره ی نگارش وزارت فرهنگ پرداخت کار او بررسی و اظهار نظر درباره ی نمایش نامه ها و فیلم نامه هایی بود که به این اداره می رسید. (طاهباز، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

دردهه بیست حزب توده از طریق نشریات خود نبض جریان های ادبی را در دست داشت. نیما که به دنبال مدافع و پشتیبانی برای عرصه شعر و تجددجویی خود بود به این حزب نزدیک می شود. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۹)

بعد از واقعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحولات عظیمی در عرصه فرهنگ و ادبیات رخ می دهد که برای تاریخ جامعه ادبی چندان درخشان نبود. تبعات نا مساعد این رخداد از شاعر نو اندیش ما نیز به دور نیست.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد یکی از دست به دهن های محل که روزگاری نوکری خانه اش را کرده بود و بعد حرف و سخنی با ایشان پیدا کرده بود آن قضایا که پیش آمد رفت بود و خبر داده بود که بله فلانی تفنگ دارد و جلسه می کند. (طاهباز، ۱۳۶۸: ۷۱)

نیما علت شعر نگفتنش بعد از ۲۸ مرداد را این گونه می گوید: از این تاریخ ۱۳۳۲ مرداد ۲۸ من هیچ شعر نگفته ام... چون من سیاسی نیستم علت این است که مردم در فکر شعر دیگر نیستند."

حال روحی نیما بعد از کودتا سال به سال بدتر می شود. هم به سبب وضع داخلی خانه، هم به علت وضع بد مالی و اداری و بیش از همه از وضعی که در شعر نو پیدا شده بود و «سنگران جدید» - نو قدامیون - به جریان شعر نو از ایران مسلط شده بودند. (لنگرودی: ۱۳۸۴: ۱۲۵)

نیما حتی از چاپ آثار خود دوری می کند که علل این بی انگیزگی را می توان موارد زیر بر شمرد.

زندگی ویران کننده ی داخلی، بدبینی مفرط نسبت به دیگران و عدم اطمینان به هیچ کس و هیچ چیز و خاطر بد از چاپ کتابی که پیش تر به سرمایه خود چاپ کرده بود تا مدت ها بدهی هایش را می پرداخت.

بعد از کودتا بدبینی نیما از حدود طبیعی خارج می شود به هیچ کس و هیچ چیز اطمینان ندارد بجز شخصی ناشناخته به نام انجیری آذر که جوانی گرد و گویا همکار اداریش بود. (لنگرودی ۱۳۸۴: ۱۳۴)

اخوان ثالث در مورد نقش نیما در سیاست می گوید: نیما به نظر من اهل سیاست نبود ولی در عین حال در گوشه خاندانش هم تأثرات خود را از جریان های جامعه بیان می کرد. او همیشه یک آرمان خواه ، مردم دوست و عدالت طلب بود. او هرگز ذهنی خود فروخته نداشت و هرگز وضع موجود را نپذیرفته بود بعکس همیشه بدانها اعتراض هم کرده بود. (اخوان ثالث ۱۳۸۲: ۱۴۹)

نیما سال های آخر عمر را میان یوش و تهران می گذراند و کیف تام و تمام او تنها ماندن و روزهای شیرین خود را یادکردن است. در سال ۱۳۲۵ نوشته بود: " زیاد می نویسم، کم انتشار می دهم. (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۹)

نیما عادت داشت تابستان ها به یوش سفر کند. بار آخر خلاف عادت. زمستان به یوش می رود. زمستان سرد یوش به بستر بیماریش می اندازد. سرانجام نیما در شب شانزدهم دی ماه ۱۳۳۸ ه.ش برابر با ششم ژانویه ۱۹۵۹م در شمیران به بیماری ذات الریه درگذشت.

آثار نیما یوشیج را می توان به دو دسته اصلی نظم و نثر تقسیم بندی کرد. (ذکر این مطلب ضروری است که برخی از آثار غیر منظوم به علت مفقود شدن و از بین رفتن چاپ نشده است. تنها نام این آثار از میان نامه ها و دست نوشته های نیما به دست آمده است.)

۱. آثار منظوم نیما یوشیج:

دیوان اشعار و رباعیات

۲. آثار منثور نیما یوشیج:

الف) نامه ها:

مجموعه کامل نامه های نیما یوشیج که در ایام زندگانی خویش برای افراد مختلف با موضوعات و سبک و سیاق گوناگون نوشته است.

ب) یادداشت های روزانه:

یادداشتی ها شخصی نیما که با محتوا و موضوعات مختلف در مدت زندگانی خود نوشته است.

ج) سفرنامه:

سفرنامه بارفروش و سفرنامه رشت که در مدت اقامت خود در این دوشهر در سال های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ نگاشته است.

د) نمایش نامه:

(کفش حضرت غلمان ۱۳۰۷) و چندین نمایشنامه دیگر که از میان رفته و تنها نامی از آنها باقیست.

ه) داستان ها:

(آیدین ۱۳۰۴) (ریزه خوانی ۱۳۰۴) (مرقد آقا ۱۳۰۹) (در طول راه ۱۳۱۵) (غول ۱۳۱۸) (نقاش ۱۳۱۸) (فاخته چه گفت؟ ۱۳۲۰) (دیدار ۱۳۲۱) (بدنعل ۱۳۲۳) (غول و زنش و ارابه اش ۱۳۳۰) (نفت خواره ۱۳۳۰)

و) داستانهای کودک:

(آهو و پرنده ها ۱۳۲۴) (توکائی در قفس ۱۳۲۵)

ز) مقالات در زمینه شعر:

(مقدمه خانواده سرباز ۱۳۰۴) (ارزش احساسات در زندگی هنرپیشگان ۱۳۱۸ تا ۱۳۱۹) (حرف های همسایه: شامل یادداشت هایی از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۳۴) (یادداشت برای مجموعه شعر منوچهرشیبانی ۱۳۲۵) (مقدمه آخرین نبرد از اسماعیل شاهرودی ۱۳۲۹) (شعرچيست؟ ۱۳۳۱) (از یک مقدمه ۱۳۳۲) (تعریف و تبصره ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲) (یک مصاحبه ۱۳۳۲) (یک دیدار ۱۳۳۵)

ح) نقد چندین اثر:

(نقد رمان مجمع دیوانگان ۱۳۱۴) (نقد داستان های صادق هدایت ۱۳۱۵) (نقد نوشته های احسان طبری بر شعر امید پلید ۱۳۲۲) (نقد نمایشنامه جعفرخان از فرنگ برگشته ۱۳۳۳)

در ادامه مقاله، سال انتشار این آثار نثری همچنین توضیح مختصری از هدف و چگونگی شکل گیری هریک از آنها مطالبی بیان شده است.

الف) نامه ها

نامه ها پرجمع ترین اثر منتشر بازمانده از نیماسست. زندگی نیمیا همچنین ارزش ها، اندیشه ها، خلق و منش او در قالب نامه ها بیش از سایر نوشته ها آشکار می شود. نیمیا ناگفته های شعرها، داستان ها، رمان و نمایش نامه هایش را در داستان به بیان درآورد.

نامه های نیمیا غالباً مفصل بود. نیمیا نامه را یکی از انواع ادبی می شمرد و در نوشتن نامه دقت و تأمل فراوان به کار می برد و همیشه نسخه ای از هر نامه را نزد خود نگاه می داشت تا بعدها بتواند مجموعه آنها را چاپ کند و برای آنکه زحمت رونویس نامه های مفصل به گردنش نماند، غالباً نامه ها را با مداد می نوشت و با ورقه کپیبه نسخه ای از آن برمی داشت و نگهداری می کرد. نامه های نیمیا دست کم به دو دلیل از اهمیت فراوان برخوردار است. اندیشه ها و تفکرات او را نشان می دهد و برخی از آنها ارزش ادبی بسیاری دارند.

مطالب در بیشتر نامه های نیمیا به صورت روشن و مفهوم نگاشته شده است. به ویژه آنکه در برخی موارد صراحت گفتار نیمیا با چاشنی طنز آمیخته که موجب خواندنی تر کردن نامه هایش شده است. کمتر نامه ای یافت می شود که نیمیا از خود و روند شعری خود حرفی به میان نیاورده باشد.

شخصی بودن این نامه ها باعث اعتبار بیشتر آنها می شود، زیرا نیمیا مجبور نبوده است که در اینگونه نامه ها مصالح اجتماعی را در نظر بگیرد و واقعیت را فدای مصلحت بکند. از این گذشته او می توانست در اینگونه نامه ها بدون هر گونه نگرانی در باره خود و اشعار خود سخن بگوید، کاری که در آثار او به راحتی امکان پذیر نبود یا بیم از آن که حمل بر خودستائی شود وجود داشت؛

از مجموع ۲۱۴ نامه ای که نیمیا آن را از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۸ نگاشته است. اولین نامه این مجموعه متعلق به تاریخ ۴ اسد ۱۳۰۰ است که به مادرش نوشته و آخرین نامه متعلق به تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۳۸ است که به پسرش شراگیم نوشته است.

۱۲ نامه به مادرش / ۲۲ نامه به بردار / ۱ نامه به پدرش / ۲۴ نامه به خواهرنش ثریا ، ناکتا ، بهجت / ۱ نامه به دایی / ۱۵ نامه به همسرش عالییه / ۲ نامه به پسرش شراگیم

بقیه ی نامه ها اصولاً به دوستان و آشنایان که ارتباطات دوستانه یا همکاری قلمی با نیمیا داشته اند، نگاشته شده است. (لنگرودی ۱۳۸۰: ۴۰، ۴۱)

ب) یادداشت های روزانه

نگارش یادداشت های شخصی همچون خاطره نویسی، زندگانی خود نوشت در ادبیات ما سابقه ی چندانی ندارد. در این میان نیما یوشیج از جمله افرادی است که همواره در طول زندگانی خود به یادداشت برداری شخصی می پرداخته است. نیما در گذشته پاره ای از اتفاقات و نقد و نظرهای شخصی اش را در قالب یادداشت های روزانه ثبت می کرده، اما بی گمان محدودیت های سیاسی - اجتماعی حاکم بر دهه ی سی، به خصوص فضای خفقان آور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که امکان نامه نگاری و هرگونه فعالیت آزاده ی فکری را از کسانی چون نیما سلب می کرده، عامل اساسی توجه جدی تر او در این سالها به این فرم ادبی بوده است.

نیما به صرافت طبع و متناسب با حوصله و حال و وضع روحی خود دست به قلم می برده است، از همین رو گاه میان تاریخ یادداشت ها، فاصله هایی چندماهه دیده می شود. این یادداشت ها بیشتر به «یادداشت های پراکنده» شباهت دارد تا یادداشت های روزانه به معنای دقیق کلمه.

از آنجا که یادداشت ها و خاطره نگاری ها عموماً ماهیت شخصی تری دارند، نیما در قیاس با دیگر آثارش در این یادداشت ها، حرفهایش را صریح تر و بدون ملاحظه کاری ها و محدودیت هایی که گاهی در نامه ها و مقاله هایش دیده می شود، بیان کرده است.

ج) سفرنامه

نیما یوشیج از میان آثار منثور خود دو سفرنامه از شهرهای رشت و بارفروش را به یادگار گذاشته است. این دو سفرنامه محصول سفرهای ناخواسته ی نیماست به جهت جابجایی های محل کار همسرش [عالیه] به شهرهای بارفروش (بابل) و رشت، در فاصله ی سال های (۱۳۰۷ - ۱۳۰۸) است.

محتوای این دو سفرنامه همچون مطالب نامه های نیما در این سالها (۱۳۰۷-۱۳۰۸)، بیانگر عینیت گرایی و توجه او به واقعیت های ملموس زندگی است. نیما در این دو سفرنامه به کرات از آثار داستانی و نمایشی خود نام می برد. توصیفات و تشریحات نیما از عادات و رسوم مردم، فضای عمومی شهر، مشاهیر شهر، طرز معیشت و دادوستد مردم، وضعیت مراکز فرهنگی، کالاهای محلی، اماکن تاریخی و زیارتی، روحیات و خلقیات مردم و حتی امراض بومی و قیمت اجناس به گونه یی ست که روش ناصر خسرو در تنظیم سفرنامه اش را تداعی می کند.

د) نمایش نامه

شاید جای شگفتی باشد؛ یکی از نمایشنامه نویسان جامعه ما در آن روز نیما یوشیج پدر شعر نو فارسی است که در نمایش نامه نویسی گمنام مانده است.

نیما نمایش نامه نویسی است که در حدود دوازده نمایش را به رشته تحریر درآورده ولی متأسفانه به جز نمایش نامه «کفش حضرت غلمان» که از ایشان به چاپ رسیده الباقی آثار نمایشی وی به دست فراموشی و نابودی سپرده شده است. (نمایش پور، ۲۷۶: ؟)

از نمایش نامه های فراوانی که نیما در زمان حیاتش نگارش کرده فقط اسامی آنها، در میان نامه ها و دست نوشته هایش، موجود و به قرار زیر است:

۱. خواهش می کنم
 ۲. کفش حضرت غلمان
 ۳. حکایت دزد و شاعر
 ۴. حاکم کاله
 ۵. درخواست
 ۶. حاجی خرناس
 ۷. سرباز در مقعر
 ۸. دو برادر
 ۹. قاشق تراش
 ۱۰. بیکارها
 ۱۱. کوهه دهاتی
 ۱۲. ملکه لیدی
- ها «نمایش نامه منظوم و به شعر آزاد» (نمایش پور، ۱۳۴: ۲۷۶)

کفش حضرت غلمان

این نمایشنامه را نیما در شهر بارفروش به تاریخ ۱۳۰۷ نوشته است.

نمایشنامه کفش حضرت غلمان از نوع نمایش های کمدی که بینش عده ای از افراد را به استهزاء گرفته است. این تئاتر سادگی و تقدس و کم هوشی بعضی اشخاص و هوشیاری یک غلام را نمایش می دهد که آفایش را دست انداخته است.

ه) داستان ها

نثر دوران مشروطه و بعد از آن در عین برخورداری از رهیافت های فکری تازه به زبان عامه نیز گرایش داشت. داستان های نیما نیز دقیقاً دنباله رو این دو اصل است.

آثار او در زمینه داستان شامل: یک داستان بلند، هشت داستان کوتاه و سه داستانتک است.

نیما تعدادی از داستان ها را خودش معدوم می کند. در این باره می نویسد: "من نمی توانم به پاکنویس داستان های کوچکی که نوشته ام برسم. داستان های کوچک زیاد نوشته ام و خیلی زیاد، از زمان های قدیم و بسیاری را شخص خودم سوزانده ام و به کارهای دیگر که در نظر من برای مردم لازم تر است مشغولم. به علاوه من دچار فکرای مشوش و غمناک هستم." (نامه به رهسپار نشریه آفتاب تابان شماره ی ۲۴ سال ۱۳۲۱ تهران) متأسفانه چند داستان هم ناخواسته مفقود و نابود می شوند یا ناقص بر جای می مانند که این مساله همواره مایه تأسف خودش نیز بوده است. (دیوانوش، ۱۳۹۰: ۲۸)

نیما عقیده خود را در مورد داستان و داستان سرایی این گونه بیان می کند: "کاری که همه زندگی و چیزهای وابسته به آن در آن است، داستان سرایی است. این کار بیشتر از انواع دیگر که در ادبیات هست، قابلیت و مهارت گوینده را از هر جهت معلوم می دارد. برای این منظور البته از حیث مصالح و وسایل باید پربار بود... به هر اندازه مشاهدات دقیق تر و ذخایر تجربه گوینده وسیع تر باشد، پی جوی وسایل دقیق تر و کارا تر است." (از یادداشت های روزانه نیما)

در اکثر داستان های نیما رگه هایی از طنز دیده می شود. طنزی که ژرف ساختی تلخ و غمگین اما خنده آور دارد. نیما تعریف خود از طنز و تراژدی این گونه بیان می دارد که: ((طنز و تراژدی هر دو حاکی از چیزهایی هستند که برخلاف چشم داشت ماست. فقط با این تفاوت که در تراژدی برمی انگیزیم برای دفع و دفاع، حال آن که در کمدی دفع و دفاعی لازم نمی دانیم. این است که در کمدی های واقعی و با ارزش، استهزای ما علاوه بر خنده می تواند جای دفع و دفاع را پر کند. مطالب خنده انگیز وقتی هم اصیل و هم با ارزش هستند که این مزه را بدهند؛ چیزی از شیرینی حاکی از حماقت و چیزی - خواه پوشیده و خواه آشکار - از تلخی و حاکی از رنجیدگی های گاهی بی واری ما از هر جور و از هر قسم.)) (نامه به جنتی عطائی) (دیوانوش، ۱۳۹۰: ۱۲)

آیدین

"آیدین" را نیما در سال ۱۳۰۴ می نویسد و یک فصل از آن را نیز در روزنامه ی شفق سرخ منتشر می کند. در سال ۱۳۰۷ وقتی اداره ی معارف از او می خواهد در موضوع نجابت و سرپوشی، شرحی به فهم کلاس پنج یا شش بنویسد، او پیشنهاد می کند این مفهوم به صورت غیر مستقیم و داستان وار آموزش داده شود. داستان پیشنهادی او برای این منظور همان "آیدین" است

نیما "آیدین" را سه بار بازنویسی می کند. او در بخشی از "سفرنامه ی رشت" به تاریخ ۲ مهر ۱۳۰۸ می نویسد که تصمیم به پاکنویس "آیدین" گرفته است اما یک ماه بعد در نامه یی به خانلری خبر از گم شدن این اثر می دهد.

ریزه خوانی

"ریزه خوانی" داستانی دیگر که با روایتی نمادین در سال ۱۳۰۴ نوشته شده است. نیما پیش از ازدواج با عالییه جهانگیر در نامه ای به او این داستانتک را می آورد.

در طول راه

"در طول راه" با حال و هوایی نشأت گرفته از فرهنگ روستایی، اثر دیگری از نیما یوشیج است. که در سیزدهم مرداد ۱۳۱۵ نوشته است و نخستین بار در همان سال به چاپ رسید.

مرقد آقا

نیما در سال ۱۳۰۹ داستان "مرقد آقا" را نخستین بار در مجموعه ی "افسانه ی کلاله ی خاور" که به همت محمد رضائی نشر می‌یافت، چاپ کرد و آوازه اش بر سر زبان ها افتاد.
نیما یوشیج از پوسته ی داستان ها برای بیان آزادانه آرمان ها و ایده آل های اجتماعی و فکری خود استفاده کرده است.
(طالبی، ۱۳۸۹: ۹۹)

"مرقد آقا" نفرت عمیق نیما را از جهل و موهوم پرستی نشان می دهد طنز اثر چنان گزنده و بی پرده است که نویسنده به ناچار زمان داستان را در قرن هشتم هجری قرار داده. اما «مرقد آقا» یکی از نخستین داستان های واقع گرایانه در توصیف چهره مسخ شده از فقر و خرافات روستایی ایران در زمان رضا شاه است.

غول

داستان "غول" جزء داستان های کوتاه نیما محسوب می شود. که در سال ۱۳۱۸ نگاشته است. داستان غول به وضوح سال های حادثه خیز جنبش ملی کردن نفت و هجوم فاشیسم به ایران را محکوم می کند. (طالبی، ۱۳۸۹: ۴۰)

نقاش

داستانک "نقاش" یک داستان نمادین که نیما در سال ۱۳۱۸ نوشته است و در تاریخ پنجشنبه ۱۶ دی ۱۳۵۵ در روزنامه اطلاعات چاپ شده است.

فاخته چه گفت؟

"فاخته چه گفت؟" را نیما در سال ۱۳۲۰ نوشته است. این داستان پاسخی به نوشته ی صادق هدایت در همان ایام، که در "مجله موسیقی" به چاپ رسیده بود.

دیدار

نیما در مهر ۱۳۲۱ داستان "دیدار" را به همراه نامه یی برای نشریه "آفتاب تابان" می فرستد. داستان و نامه در شماره ۲۴ نشریه به تاریخ ۴ مهر ۱۳۲۴ به چاپ می رسند. در جایی می نویسد که داستان دیدار را نه به شیوه نویسندگان غربی و از جمله آمریکایی بلکه بر اساس میل و شیوه خودش نوشته است.

بدنعل

در ۲۷ اسفند ۱۳۲۳ نیما داستانی به نام "بدنعل" می نویسد. بدنعل خاطره واره یی ست که، یکی از شخصیت های آن خود نیماست و داستان نیز از زبان او نقل می شود. (دیپانوش، ۱۳۹۰: ۲۶، ۲۵) همچنین این داستان از تلفیق دو مکتب رئالیست و ناتورالیست نوشته شده است.

نفت خواره

در سال ۱۳۳۰ در بحبوحه نهضت ملی کردن نفت و آغاز دسیسه های داخلی و خارجی برای بازگرداندن اوضاع به خفقان سیاسی پیش از نخست وزیری مصدق مهمترین داستان اجتماعی - تمثیلی نیما یوشیج یعنی نفت خواره خلق شد. که در همان سال در نشریه ی دانستنی ها به چاپ می رسد.

غول و زنش و ارابه اش

"غول و زنش و ارابه اش" آخرین داستان نیماست. که در سال ۱۳۳۰ نوشته شده است و در پاورقی روزنامه "آتشبار" انجوی شیرازی چاپ می شد.

نیما غیر از داستان های که موجود است، داستان های دیگری هم می نویسد که تعدادی از آنها را به دلیل مشکلات همیشگی اقتصادی، بی پولی، خلق و خوی متغیری و تنگنای زندگی که داشت موفق به چاپ آثارش نمی شود و برخی را خودش معدوم می کند.

شماری از داستان ها و نمایشنامه های نیما که بنا به عللی دستخوش نابودی شده و یا فرصت چاپ و انتشار نیافته اند، برای آگاهی خوانندگان نام برده می شوند:

۱. آشیانه من / ۲. براد (رمان) / ۳. تیقون و سیقون / ۴. حاکم کاله / ۵. حکایت دزد و شاعر / ۶. خر مشهدی احد / ۷. دل بستگی / ۸. سرگذشت یک یاغی / ۹. قبرستان شاه بهار / ۱۰. واقعه / ۱۱. تاریخ ادبیات ولایتی / ۱۳. عقاب () مهدی پور، ۱۳۸۰: ۱۵، ۱۶)

و) داستانهای کودک

در کشور ما پس از انقلاب مشروطه شروع ساده نویسی در کشور باعث شد توجه به ادبیات کودک گسترش یابد. ادبیات کودک از شرایط اجتماعی و اقتصادی محیط تغذیه می کند بنابراین سرشار از ویژگی های زمان خود است. داستان های کودکانه نیما که در فضایی طبیعی و درون مایه ای خیالی نوشته شده است؛ نیما از زبان کودک یاری گرفته تا فکر و پیام خود را در قالبی نمادین بیان کند.

آهو و پرنده ها

سال ۱۳۲۴ سال آفرینش "آهو و پرنده ها" است. خفقان و وادار به سخن نگفتن در آن زمان شاید نیما را بر آن داشته است که این گونه سخن گوید و نوشته هایش در قالب کودکانه مملو از نماد و تمثیل باشد.

توکایی در قفس

در اردیبهشت ۱۳۲۵، نیما دست به کار نوشتن "توکایی در قفس" می شود، از ورای داستان های حیوانات پیام تمثیلی خود را ارائه می کند.

ز) مقالات در زمینه شعر

این آثار پژوهشی شامل:

۱. مقدماتی که نیما بر دفتر شعر خود و شاعران معاصر زمان خود نوشته است. این مقدمات نه تنها خواننده را با شخصیت شاعر آشنا می کند بلکه در شناساندن شعر این شاعران نیز کمک خواهد کرد
۲. نوشته ها و رسالاتی به قلم نیما که در شناسایی شعر معاصر بسیار مفید است. این رسالات که تعدادی از آنها مفصل و برخی کوتاه و مختصرند، ماهیت شعر معاصر و تفاوت آن با شعر کلاسیک، از نگاه نیما بیان می کند.

مقدمه خانواده سرباز

نیما این مقدمه را در ۱۳۰۴ بر دفتر کوچکی از چند شعر خود نوشته و می توان آن را از قدیم ترین نوشته نیما در توضیح هنر شاعری و شیوه ها و شگردهای او دانست.

مضمون این مقدمه نیما بیشتر دفاع از نظریات تجدد خواهانه ای است که پاسداران سنت شعر قدیم فارسی به تعبیر نیما آن را "انحطاط در ادبیات آبرومند قدیم" می دانستند. اما نیما با ایمان به کار خود و بی اعتنائی به ایرادها و انتقادها به راه خود می رفت. او در همین مقدمه ضمن اشاره به نا آرامی ها در جنگل های گیلان و مازندران در سال های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ یادآور می شود که دوری از مردم و سر به کوه و جنگل نهادن موجب تقویت فکر و نیت او در بدعت های خود شد. (طاهباز ۱۳۸۵: ۱۶)

ارزش احساسات در زندگی هنرپیشگان

اولین اثری که نیما در زمینه شناخت هنر و معیارهای ادبی انتشار داد سلسله مقالاتی به نام «ارزش احساسات» بود که از (دی ماه ۱۳۱۸) تا شماره ۹ سال دوم (آذرماه ۱۳۱۹) در مجله موسیقی _نشریه اداره موسیقی در وزارت فرهنگ به مدیریت افسر موسیقی دانی به نام مین باشیان بود. چاپ شد.

ارزش احساسات اگرچه در پیگیری دگرگونی های اندیشه ی شعری و اجتماعی نیما و تلقی او از جریان های مختلف هنری جهان و همچنین چگونگی مواجهه ی شاخه های مختلف هنر شرق با اندیشه و هنر غرب اثری است بی نظیر، این سلسله مقالات محصول دوره ی گذرا اندیشه ی شعری نیماست و نیما در عرصه ی نظریه هنوز حرف های همسایه را به نگارش در نیاورده. همانگونه که پیشتر اشاره شد ارزشمندترین اثر نظری نیما مجموعه شعر و شاعری است؛ زیرا به هنگام نگارش این مجموعه (۱۳۱۸-۱۳۳۴) نیما تمامی راه ها و شیوه ها را آزموده بوده و به درک درست تری از نسبت ادبیات امروز به میراث سنت و امکانات شعر غرب دست یافته بوده و به نوعی تعادل و متانت رسیده بوده است.

حرف های همسایه

نیما در حرف های همسایه به طور واضح به مسایل شعری می پردازد و نظرات خود را بیان می کند. خواست نیما در حرف های همسایه، توضیح در مورد آفرینش شعری بوده که توجه به مسائل خارج از شعر کند. حرفهای همسایه تکامل یافته ترین اندیشه های شعری نیما در عین حال ارزشمندترین اثر نظری نیماست. این «حرفها» ۱۳۷ فقره از یادداشت ها تئوریک نیماست در قالب نامه به همسایه ای فرضی، که جوانی است نوجو و خواهان تجدید در حیطه ی شعر، نیما خود از این مجموعه با تعبیر «نامه های فنی» یاد کرده است. حرف های همسایه نیما در مجله آپادانا در نخستین شماره اش اول خرداد ۱۳۳۵ چاپ شد. (لنگرودی ۱۳۸۴: ۲۷۸)

یادداشت برای مجموعه شعر منوچهر شیبانی

یکی دیگر از مقدمه های که نیما در ابتدای دفتر شاعران نگاشته است، مقدمه بر شعر ((مهجر)) منوچهر شیبانی شاعر و نقاش معاصر، است. نیما زمانی این مقدمه را بر جرقه نوشت که منوچهر شیبانی، شاعر نقاش مانند خود او از حمایت حزب توده برخوردار بود و در نخستین کنگره نویسندگان ایران، در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی (تیرماه ۱۳۲۵) شرکت کرده بود.

مقدمه آخرین نبرد از اسماعیل شاهرودی

نیما به در خواست پیروان شعر خود یادداشت هایی به عنوان "مقدمه" بر دفتر شعر آنها نوشته است، بررسی این مقدمه و سایر نمونه های مانند این می تواند نظرگاه انتقادی نیما را درباره شعر پیروان خود بنمایاند.

نیما این مقدمه را در ۲۰ دی ماه ۱۳۲۹ بر "آخرین نبرد" نوشته است. این نقد مانند سایر نقد های دیگر نیما بیش از اینکه به انتقاد اثر بپردازد مجالی است برای بیان نظریات و اندیشه نیماست. که به حتم مخاطب نیما در این نقد نیز نویسنده اثر نیست.

شعر چیست؟

مطالب این مقاله پاسخ به یک سوالی است که در ابتدای این نوشتار از سوی نیما بیان شده است. این نوشته دیدگاه نیما به شعر همچنین توجیه او برای تحول بنیادی در شعر را نشان می دهد. این متن در ابتدا با تعریف کوتاهی از شعر آغاز می شود و سپس با سوالاتی در زمینه شعر ادامه می یابد.

تعریف و تبصره

رساله نا تمام "تعریف و تبصره" نخستین بار در شماره های پی در پی هفته نامه ی "آتشبار" از تاریخ دی ماه ۱۳۳۱ تا مرداد ۱۳۳۲ به چاپ رسیده است.

برخی از صاحب نظران در حوزه آثار نیما معتقداند که : ظاهراً این نوشته که تاریخ خرداد ماه ۱۳۲۲ را بر خود دارد. همان رساله ای است که نیما در نظر داشته در موضوع بدعت ها و بدایع شعر خود بنویسد. نیما در ابتدای مدخل متذکر می شود که این نوشته ها چیزهایی است که "من به فهم آنها توفیق یافته ام ... و توانسته ام فهمیده های خود را برای دیگران به زبان بیاورم." نوشته های او در این مقاله تلاش برای "اظهار وجود یک نفر نیست." بلکه همان طور که خود می گوید: "مرور گفته های دیگران" و در پی آن "یافتن اسباب و لوازم کار خود است."

از یک مقدمه

نیما در این مقدمه که بر منتخبی از نمونه های شعر آزاد معاصران گردآورده مرتضی کیوان، در تیرماه ۱۳۳۲، نوشته به نکته های دقیق و درستی درباره ضرورت شعر نو اشاره کرده است که تمام نسخ چاپ شده ی آن در کودتای ۲۸ مرداد سوخت و از میان رفت. (پارسی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۲۴)

ح) نقد چندین اثر

نقدهایی که از نیما بر جای مانده است، او را در زمره ی نخستین کسانی قرار داده است که در سالیانی دور نقد نویسی درباره ی شعر و داستان و نمایش نامه در ایران آغاز کرده اند.

نقد رمان "مجمع دیوانگان"

عبدالحسین صنعتی زاده از اولین رمان نویسان ایرانی است. که از همان اوایل جوانی به کار نویسندگی پرداخت. وی به عنوان پدر رمان تاریخی ایران شناخته می شود. مهمترین اثر او مجمع دیوانگان است که نخستین اثر آرمان شهر ادبیات فارسی به شمار می رود. در ابتدای نقد، نیما برداشت ها و دست یافته های خود را از رمان به صورت جملات کوتاه نوشته است. در این میان از مکتب های ادبی که در اورپا معمول است نیز یاد کرده است و هر کجا که لازم دیده نوشته های صنعتی زاده را با این مکتب ها تطبیق داده است.

نقد داستان های صادق هدایت

مضمون این نوشته نیما به صادق هدایت نقد و نظری به داستان های او و سبک و شکل و شیوه کارش که در نامه زمستان ۱۳۱۵ نوشته شده است. نیما از سلطه تخییل و فانتزی هدایت یاد می کند و لازم می بیند که نکته هایی را درباره سبک (استیل) و شکل کار داستان پردازی او یاد آور شود.

نقد نوشته های احسان طبری بر شعر "امید پلید"

نشریه "نامه مردم" از جمله نشریات حزب توده که سردبیران آن جلال آل احمد (نویسنده) و احسان طبری (شاعر) است. این ماهنامه به لحاظ نگاه به هستی و جامعه و هنر و ادبیات، تجدد در دهه بیست است، در شماره هیجدهم و به تاریخ هیجده اردیبهشت سال ۱۳۲۲ همین نشریه است که شعر امید پلید نیما چاپ می شود و آن ماجراهای غریب را به دنبال می آورد. مطالب از این قرار است که احسان طبری که از رهبران ادیب حزب است، لازم می بیند که برای روشن شدن شعر مقدمه ئی بر آن بنویسد. (لنگرودی ۱۳۸۴: ۲۴۶)

حرف های نیما در پاسخ به یادداشت طبری، در توضیح شعر ((امید پلید)) طرح کننده بسیاری از نظریات نیماست در اصول عقاید و روش کار و فهم مخاطبان از شعر نو که هر نکته از آن می تواند در مباحث انتقادی از شعر نو سودمند باشد. (پارسی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۱۰)

نقد نمایشنامه "جعفر خان از فرنگ برگشته"

یکی از رخدادهای ادبی - فرهنگی دوره کودتا نگارش و اجرای نمایشنامه جعفرخان از فرنگ آمده اثر حسن مقدم ملقب به «علی نوروز» این نمایشنامه یک پرده ای کوتاه در فروردین ۱۳۰۱ در گروه تئاتر "ایران جوان" نمایش داده شد. نقد نمایشنامه ی "جعفرخان از فرنگ برگشته" را نیما در نامه خطاب به ابوالقاسم جنتی عطایی در تیرماه ۱۳۳۳ نوشته است. (دیانش، ۱۳۹۰: ۴۰)

نیما نمایشنامه حسن مقدم را "خانه های در بسته ی دهاتی" تشبیه کرده است. او وجه شبه این تشبیه را نیز این گونه بیان کرده است که: ((کمدی او تناسبی که اسم و موضوع آن با هم دارند به خانه های در بسته ی دهاتی بی شباهت نیست، آدم داخل نشده حس می کند در آن ها اوضاع و احوال از چه قرار باید باشد.)) در راستای این مقاله نگارنده با بهره گیری از نوشته های دیگران و دست یافته های خود تلاش کرده بود به ذکر نام و توضیح مختصری در مورد هریک از آثار نثری در دسته بندی های تعیین شده بپردازد.

نتیجه گیری:

در این مقاله به معرفی و شرح مختصری از آثار نثری نیما پرداخته ایم؛ که لازم است پس خواندن تک تک آثار به نتیجه گیری های گوناگون در حوزه ادبی، زبانی و ذهنی بپردازیم. اما نتایج کلی که می توان به گونه خلاصه بیان کرد از این قرار است که: برخی از این آثار فاقد ارزش ادبی هستند و ویژگی های بدیعی و بیانی قابل توجهی در آنها نیست. البته ذکر این مطلب لازم است که آثار از نیما که جنبه نقد دارد و همچنین نوشته هایی که نظریات خود را در آن بیان داشته است ارزش ادبی چندانی ندارند و جایگاهی برای عرضه آرایه ادبی نیست. اما آثاری چون داستان، یادداشت های روزانه، نمایشنامه و... روحیه شاعری و طرز بیان شعر گونه نیما در آنها نفوذ کرده است و آن آثار نثری ارزش ادبی مخصوص به خود را دارد. در قسمت هایی از نوشته های نیما استعمال لغات و رمزگانی دیده می شود که در شعرش نیز موجود است. همچنین کاربرد جملات و ساخت های نحوی، که نشانی از زبان اوست، در آثار منشورش دیده می شود. شاید بتوان گفت همه آثار غیرمنظوم نیما به گونه ای جهت گیری فکری و اعتقادی و همچنین تاحدودی روحیه نیما و نوع تفکر و دیدگاه او را نشان می دهد؛ در ضمن این آثار چشم اندازهای بسیاری از وقایع و رخدادهای آن دوران را با بیانی نمادین و سمبلیک در مقابل چشمان خواننده می گشاید.

منابع و مراجع

- پارسی نژاد، ایرج. *نیما یوشیج و نقد ادبی*، تهران، سخن، ۱۳۸۸
- پورنامداریان، تقی. *خانه ام ابری است*، تهران، سروش، ۱۳۸۱
- دیانش، ایلیا. *نیمای داستان (مجموعه داستان و داستان واره های نیما یوشیج)*، تهران، مروارید، ۱۳۹۰
- طالبی، محمد. *نقد و تحلیل داستان ها و قصه های کوتاه نیما یوشیج*. همایش ملی علمی پژوهشی نیما یوشیج، شماره نخست، ۱۳۸۹
- طاهباز، سیروس. *برگزیده آثار نیما یوشیج (نثر)*، تهران، بزرگمهر، ۱۳۶۹
- _____ . *پر درد کوهستان (زندگی و هنر نیما یوشیج)*. تهران، مروارید، ۱۳۸۹
- _____ . *درباره هنر شعر و شاعری نیما یوشیج*، تهران، نگاه، ۱۳۸۵
- _____ . *کماندار بزرگ کوهساران زندگی و شعر نیما یوشیج*، تهران، ثالث، ۱۳۸۰
- _____ . *نامه ها (از مجموعه آثار نیما یوشیج)*، تهران، دفترهای زمانه، ۱۳۶۸

- لنگرودی، شمس. *از جان گذشته به مقصود می رسد (زندگی نیما یوشیج)*، رشت، فرهنگ ایلیا، ۱۳۹۰
- _____ . *تاریخ تحلیلی شعرنو جلد اول ۱۲۸۴-۱۳۳۲*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷
- _____ . *تاریخ تحلیلی شعرنو جلد اول ۱۳۳۲-۱۳۴۱*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴
- _____ . *نیما یوشیج*، تهران، قصه، ۱۳۸۰
- محیط، هادی. *آقا نوکا (درباره زندگی نیما یوشیج)*، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۹
- میرعابدینی، حسن. *صدسال داستان نویسی ایران (جلد اول و دوم)*، تهران، چشمه، ۱۳۸۶
- نیایش پور، حسن. *یادی از پیشکسوتان و نام آوران تأثر ایران (نیما یوشیج پدر شعر نو! نمایش نویسی گمنام!)*، مجله تئاتر، شماره ۴۲ و ۴۳

